



دنیای اسلام پس از خلفای راشدین

درس چهارم

با تبدیل نظام خلافت و رهبری اسلامی به ملوکیت و سلطنت، وضع جدیدی در دنیای اسلام پدید آمد و زمینه تفرق و تضعیف جامعه اسلامی فراهم گردید. از طرف دیگر، وسعت زیاد سرزمین‌های اسلامی و پراکندگی جغرافیایی و قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون در حجاز، یمن، ایران، عراق، مصر، روم و بخش‌هایی از اروپا و هند و آفریقا و ظهور مسائل جدید سیاسی، اعتقادی و فقهی، نیز پاسخگویی به این قبیل مسائل را بیشتر و ضروری‌تر می‌کرد. وقتی که یزید، برخلاف عهدنامه معاویه با حضرت حسن (رض) به قدرت رسید، برخی از شخصیت‌های بزرگ مانند امام حسین (رض)، عبدالله پسر حضرت عمر (رض)، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمن پسر حضرت ابوبکر (رض)، شدیداً به مخالفت برخاستند؛ زیرا کسی به سلطنت رسیده بود که خود را خلیفه رسول خدا می‌نامید، اما آشکارا و علنی مرتکب گناہانی چون شراب‌خواری می‌شد.

قیام امام حسین (رض) منجر به شهادت او و یارانش و اسارت خانواده‌اش گردید. عبدالله بن زبیر نیز قیام کرد و مکه را به تصرف درآورد. اما بعدها در مقابل حجاج بن یوسف که از طرف عبدالملک بن مروان به مکه لشکرکشی کرده بود، شکست خورد و مکه به تصرف حجاج درآمد.

بعد از این حوادث، به تدریج حکومت و سلطنت امویان رو به سستی نهاد تا اینکه حکومت به بنی عباس رسید. آنان نیز همان روش حاکمان بنی امیه را ادامه دادند و همین امر، سبب شد تا بسیاری از فقیهان و دانشمندان با آنان مخالفت کنند.

امام ابوحنیفه، پیشوای مذهب حنفی، در اواخر حکومت اموی، از طرف والی عراق برای مقام عالی قضاوت دعوت شد؛ اما او قاطعانه این دعوت را رد کرد و به همین دلیل مورد آزار و اذیت قرار گرفت. در زمان منصور، حاکم عباسی نیز به وزارت دادگستری دعوت شد که آن را نپذیرفت و تا آخر عمر زندانی شد. امام مالک نیز به خاطر اعتراض به برخی حاکمان و والیان مدت ها در زندان به سر برد. امام احمد حنبل در زمان حاکمان عباسی شکنجه شد و به زندان افتاد. امام علی بن الحسین و فرزندان او نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، برخی به زندان افتادند و برخی به شهادت رسیدند. البته در میان این حاکمان، کسی مانند عمر بن عبدالعزیز نیز وجود داشت که عدالت گری پیشه کرد و به آبادانی کشور پرداخت و حقوق بیت المال را مراعات می کرد.

در این سال ها به تدریج گرایش های مختلف و دسته جات گوناگونی در جامعه به وجود آمد که به طور کلی از سه عنوان بیرون نبودند:

۱ فرقه ها و احزاب سیاسی که بیشتر برای رسیدن به قدرت و حکومت با یکدیگر و یا با حکومت درگیر بودند.

۲ فرقه ها و مذاهب کلامی که در مسائل اعتقادی و فکری با یکدیگر اختلاف داشتند و برای حل مسائل اعتقادی نظرات خاصی ارائه می کردند.

۳ مذاهب فقهی که هر کدام برای به دست آوردن احکام شرعی روش های خاصی داشتند و پیروان خود را به آن دعوت می کردند.

دربارهٔ حاکمان بنی امیه و بنی عباس تحقیق کنید و نشان دهید که روش آنان در حکومت داری و زندگی، چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی با خلفای راشدین داشته است.

از آنجا که آشنایی با مذاهب فقهی ضرورت بیشتری دارد، در اینجا به‌طور مختصر، به شرح آنها می‌پردازیم.

فقه‌های نخستین

فقیهان کسانی هستند که احکام دینی را با مراجعه به قرآن کریم و سنت نبوی و سایر منابع به دست می‌آورند و برای مردم بیان می‌کنند. فقه‌های نخستین، آن دسته از فقیهانی هستند که در قرن اول هجری زندگی می‌کردند. با توجه به اینکه این دوره، فاصلهٔ زیادی تا زمان پیامبر ﷺ نداشت و احتیاجات مسلمانان در احکام زیاد و متنوع نشده بود، این فقیهان برای به دست آوردن احکام غالباً فقط به قرآن و احادیث نبوی مراجعه می‌کردند و کمتر به اجتهاد عقلی می‌پرداختند. مشهورترین آنان عبدالله بن مسعود متوفی به سال ۹۴ یا ۹۹ هجری، سعد بن مسیب متوفی به سال ۹۳ هجری، عروة بن زبیر متوفی به سال ۱۰۶ هجری و قاسم بن محمد بن ابی بکر هستند. آنان به‌طور شفاهی مسائل را برای مردم توضیح می‌دادند و از خود نظر خاصی عنوان نمی‌کردند.

فقه‌های طبقهٔ دوم

در اوایل قرن دوم هجری، تحولات زیادی در علوم اسلامی پدید آمد. این تحول ناشی از ابتلائات و احتیاجات تازه‌ای بود که در زمان ظهور یافته بود و تحقیقات و پاسخ‌های جدیدی را طلب می‌کرد. در این دوره، علوم اسلامی به معنای واقعی آن شکل گرفت؛ یعنی رشته‌های مختلف علمی، مانند تفسیر، فقه، کلام، اصول و فلسفه تأسیس شد و هر دانشمندی در یک یا چند رشتهٔ علمی تخصص داشت. فقیهان، علاوه بر تحقیق در قرآن و حدیث به تحقیقات دیگری نیز دست زدند و از رأی و اجتهاد و قیاس خود سود جستند تا پاسخگوی نیازهای جدید باشند. آنان قواعدی برای تحقیقات فقهی خود وضع کردند که به تدریج کامل شد و «علم اصول فقه» نام گرفت.

فقه‌های طبقه دوم در بلاد مختلف اسلامی پیروانی داشتند که رفته رفته از حدود نیمه دوم قرن دوم هجری به دو مکتب بزرگ فقهی تقسیم شدند^۱ :

۱ مکتب رأی و قیاس به مرکزیت عراق؛ در این مکتب، علاوه بر قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، به رأی و اجتهاد فقیه اهمیت فراوانی داده می‌شد. نماینده مکتب اهل قیاس و رأی امام ابوحنیفه (رض) بود.

۲ مکتب اهل حدیث به مرکزیت حجاز؛ در این مکتب تأکید زیادی بر ظاهر قرآن و حدیث می‌شد و توجه کمتری به رأی و اجتهاد می‌گردید. امام مالک بن انس (رض) از جمله نمایندگان اهل حدیث به‌شمار می‌رود.

ما در این بخش به معرفی دو امام از ائمه چهارگانه مشهور اهل سنت که پیروان فراوانی در ایران دارند می‌پردازیم.

امام ابوحنیفه (رضی الله عنه)

نعمان بن ثابت (ابوحنیفه) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد و در سال ۱۵۰ هجری، در هفتادسالگی در بغداد درگذشت. از اساتید مشهور او حماد بن ابی سلیمان متوفی به سال ۱۲۰ هجری است که ۱۸ سال از او فقه و حدیث آموخت. امام ابوحنیفه تا ۴۰ سالگی در بصره در علم کلام^۲ تحقیق و تحصیل می‌کرد به‌گونه‌ای که جزو افراد برجسته و مشهور در آن علم بوده است. او ابتدا علم کلام را بهترین مایه علم می‌دانست، سپس آن را ترک کرده و به فقه پرداخت.

او علاوه بر قرآن و احادیث معتبر و موثق، بر اثر نیازهای جدید جامعه، به قیاس که یک روش عقلانی است و منافاتی با دین ندارد، روی آورد. قیاس در فقه، یعنی مقایسه نمودن مسائلی که از نظر حکم و علت مجهول باشد با مسئله‌ای که از نظر حکم و علت معلوم است؛ مثلاً حکم نوشیدن شراب (انگور) به علت مست‌کنندگی معلوم است و صراحتاً در قرآن حرام شده است. اما در مورد آب‌جو و امثال آن در قرآن نامی برده نشده است. مجتهد آب‌جو را با شراب مقایسه می‌کند و حکم حرام بودن شراب را به آب‌جو سرایت می‌دهد؛ زیرا آب‌جو نیز مانند شراب حالت مست‌کنندگی دارد.

ابوحنیفه (رض) از قلبی صابر و فکری عمیق بهره‌ای وافر داشت. در جواب به مسائل شرعی بی‌باک بود و صریح و روشن پاسخ می‌داد. در بحث و مناظره چیره‌دست و فقیهی منطقی و کلامی بود.

۱- مکتب فقهی دیگری به نام مکتب فقهی جعفری در مدینه توسط امام جعفر صادق (رض) توسعه و گسترش یافت که مربوط به برادران شیعه است که در جای خود از آن بحث شده است.

۲- علم کلام، علمی است که درباره مسائل اعتقادی مانند توحید، معاد و نبوت بحث می‌کند.

او شاگردان زیادی تربیت کرد که معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از: ابویوسف یعقوب بن ابراهیم، محمد بن شیبانی و زفر بن هزیل تمیمی.

مذهب حنفی دو قرن پس از وفات امام ابوحنیفه رسمیت یافت و در اواخر قرن چهارم و پنجم هجری و پس از آن با حمایت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان و عثمانی ترویج و تقویت شد.

✽ تحقیق

درباره روزه در مذهب فقهی امام ابوحنیفه تحقیق کنید و واجبات و محرمات روزه را بنابر این مذهب ذکر نمایید.

امام محمد بن ادریس شافعی

امام شافعی در عسقلان فلسطین در سال ۱۵۰ هجری به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و دو ساله بود که مادرش او را به مکه برد و ده سال در میان قبیله هزلی فصاحت عربی و دیگر فنون زبان را آموخت. در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد و مقدمات علوم را نزد مسلم بن خالد مفتی مکه آموخت. در سیزده سالگی فقه را در مدینه نزد امام مالک بن انس آغاز کرد و کتاب «الموطأ» او را که در زمینه حدیث است، حفظ نمود. در ۲۵ سالگی در علم فقه و حدیث به درجه اجتهاد رسید.

او پس از فوت امام مالک، به سیر در آفاق و انفس پرداخت و از آرا و نظریات اصحاب رأی و حدیث آگاه گشت. در عراق، آرای مکتب حنفی را نزد محمد بن حسن شیبانی آموخت. در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و چهار سال آخر عمر را در آنجا گذراند و در همان جا وفات یافت.

امام شافعی (رض) فصیح و شیرین سخن می‌گفت و به انواع استدلال ظاهری توانا بود. بسیار مورد وثوق و امانت‌دار و عادل و پارسا بود. از عفت نفس و حسن سیرت بهره‌عالی داشت.

فقه شافعی قدر مشترک بین اصحاب حدیث و اصحاب رأی بود و میان آن دو را جمع می‌کرد. پس روش او تلفیقی بود از فقه حجاز و فقه عراق. به همین جهت اصول فقه امام شافعی قرآن، سنت، اجماع و قیاس است.

فقه‌های قبل از شافعی در اصول فقه بحث می‌کردند، ولی قانون کلی و منظمی نداشتند. اما او اصول فقه را تدوین و تنظیم نمود. از این رو، گفته‌اند نسبت شافعی به اصول فقه مانند نسبت ارسطو به منطق است. او تألیفات زیادی دارد. این ندیم حدود ۱۱۰ جلد کتاب و رساله به او نسبت می‌دهد. برخی از

کتاب‌های او مانند «المبسوط فی الفقه»، «کتاب الامامه»، «کتاب الرساله»، «احکام القرآن»، «السّنن» و «کتاب الأئمّ» از جمله آثار اوست. «کتاب الأئمّ» در هشت جلد می‌باشد و درباره فقه است و دایرة المعارف فقهی محسوب می‌شود.

یکی از عوامل گسترش مذهب فقهی امام شافعی، شاگردان او بوده‌اند، بیشترین گسترش و اسمیت آن در قرن‌های چهارم و پنجم هجری صورت گرفت. بیشتر شافعی مذهب‌ان در عراق، مصر، سوریه، عربستان، شهرهای غربی ایران و شمال آفریقا هستند. از جمله شاگردان برجسته امام شافعی، امام احمد حنبل است که بعدها خود روش فقهی مستقلی وضع کرد که مذهب حنبلی نام گرفت.

※ تحقیق

درباره روزه در مذهب فقهی شافعی تحقیق کنید و واجبات و محرمات آن را بنا بر این مذهب ذکر نمایید.

به طور خلاصه، در میان اهل سنت چهار مذهب فقهی شکل گرفت که عبارت‌اند از :

۱ مذهب حنفی؛

۲ مذهب مالکی؛

۳ مذهب شافعی؛

۴ مذهب حنبلی.

فقهایی که پس از این بزرگان آمدند، به شکلی تابع یکی از این چهار مذهب فقهی بودند و در همین چارچوب به اجتهاد می‌پرداختند و اکنون نیز فقیهان اهل سنت تابع یکی از همین چهار مذهب هستند.